

حمله راه بار تکرار کرد . . . سمن فرمود : حراندکی از
مومنین (شیعیان) ، و این جمله را هم سه بار تکرار
فرمود .

(اصول کافی ، کتاب الایمان
والکفر ، باب فی فتنه
عدد المؤمنین)

— علی بن ابراهیم از پدرش ، و او از ابن ابی
عمیر ، و او از سفر روایت کرده است که حضرت امام ابی
عبدالله صادق علیه السلام فرمود : در روز قیامت چیزی
مثل گلوله میآید و به پشت مؤمن شعه میزند تا او را
داخل بهشت کند .

(اصول کافی ، کتاب الایمان والکفر ،
باب البتر بالوالدین)

— و نیز آن حضرت (ع) فرمود : از پدرم (امام
محمد باقر ع) شنیدم که میفرمود : چون خدای عزوجل
بربندهای نوبت که باید در امر تشیع داخل شود ، از
رفتن پرنده به آشیانه اش شتابنده تر شود .

و فضیل بن یسار گوید : به حضرت امام جعفر صادق
علیه السلام عرض کردم آیا مردم را به امر تشیع دعوت
کنم ؟ فرمود : نه ، ای فضیل ، زیرا که اگر خدا خیر
بنده اش را خواهد خودش به فرشتهای فرمان دهد که گردن
آن بنده را بگیرد و او را خواه ناخواه در حلقه شیعیان
در آورد .

(اصول کافی ، کتاب التوحید ،
باب الهدایه)

— محمد بن یحیی از احمد بن محمد بن عیسی ، و او
از محمد بن اسماعیل ، و او از محمد بن الفضیل ، و او از
ابی الصباح الكنانی نقل کرده است که حضرت امام صادق
علیه السلام فرمود : مؤمن (شیعه) به هر مرگی میبرد
جز به ماعقه .

و برسدس معاونه عثلی گوید : حضرت امام صادق
علیه السلام فرمود : صاعقه به کسی که ذکر خدا کند و اگر
باشد اصابت نکند . عرض کردم : اگر کسیست ؟ فرمود
آنکه صد آره بخواند .

و ابویصر گوید : از حضرت امام صادق علیه السلام
برسدم از مردن مومس . فرمود : مومس ممکن است به هر
مرگی بمورد ، یعنی غرق شود ، یا بر آوار بماند ، یا
به درنده دچار گردد ، ولی بهتر حال کسی که ذکر خدای
عزوجل کند به صاعقه بمورد .

(اصول کافی ، کتاب الدعاء ،

باب ان الصاعقه

لا تصب اذا کسرا)

— یکی از اصحاب ، از احمد بن محمد بن عیسی ،
واواز ابن سنان ، واواز ابن مسکان ، واواز بدیر
نقل میکند که به امام محمد باقر علیه السلام عرض
کردم : هنگامیکه پیروان شما را ترک گفتم تا به نزد
شما بیایم آنان با یکدیگر اختلاف داشتند و از هم دوری
میجستند . فرمود : به کار آنان کاری نداشته باش ،
زیرا شیعیان سه تکلیف بیشتر ندارند : شناختن ائمه ،
و تسلیم بودن در برابر آنها ، و ارجاع اختلافات خود به
ایشان .

و زید بن شحام گوید : به امام جعفر صادق علیه
السلام عرض کردم : در قبیله ما مردی است که نامش
کلیب است . هر دستوری که از شما میرسد ، هر چه باشد
او میگوید من تسلیمم ، از این رو ما او را " کلیب
تسلیم " نامیده ایم . حضرت باور رحمت فرستاد و فرمود :
چه نازنین مردی است !

(اصول کافی ، کتاب الحجج ، باب

التسلیم و فضل المسلمین)

— یکی از اصحاب از احمد بن محمد بن خالد، و از
 از پدرش، و او از ابی المحرری -- که حدیثش با مرد --
 روایت کند که حضرت امام باقر علیه السلام فرمود :
 مومنان ! شیعیان ! با وفای و آرامش هستید . ما سینه
 سر سبزى که مینار دینى دارد ، چون او را بکشند براه
 افتند و چون او را بر صحره‌ای بخواهند بخواهند .
 (اصول کافی ، کتاب الايمان والكفر ،
 باب المؤمنین و غلامانہ و حفاةہ)

— محمد بن یحیی از احمد بن محمد بن عیسی ، و او
 از محمد بن سنان ، و او از فضیلة الاعشى گوید که : از
 حضرت امام ابی عبداللہ صادق علیه السلام شنیدم که
 میفرمود : زن مومن از مرد مومن کمیاب تر است ، و مرد
 مومن نر کمیاب تر از کسریت احمر است ، و کدامیک از شما
 کسریت احمر را دیده‌اید ؟

— و سدید صیرفی گوید : حضرت امام صادق علیه
 السلام به من فرمود : ای سدید ، فکر میکنی شیعیان
 ما چه اندازه باشند ؟ گفتم صد هزار ، بلکه دویست
 هزار ، بلکه هم نصف دنیا ، حضرت سکوت کرد . پس براه
 افتادیم تا به زمین خاک سرخی رسیدیم ، حضرت به سوی
 خوانی که بزغاله میجرانید نگرست و فرمود : ای سدید ،
 بخدا اگر شیعیانم به شماره این بزغاله‌ها بودند ،
 خانه نشینی برایم روان بود . چون بزغاله‌ها را شمردم ،
 هفده رأس بودند .

(اصول کافی ، کتاب الايمان والكفر ،
 باب فی قلة عدد المؤمنین)

— در حدیث است از حضرت امام صادق (ع) که
 بدان حضرت عرض کردند سنیان میگویند کسب معلم حرام

است و شاید با و مزد داد ، فرمود که ای دشمنان خدا دروغ میگویند و میخواهند که شیعیان قرآن یاد بگیرند ، و نیز از آن حضرت منقول است که هر که مؤمنی را سر کند بهشت بر او واحد بود ، و هر که کافری را سر کند خداشکم او را بر او رقوم حییم کند !

— از هارون بن موفق منقول است که روزی حضرت امام موسی کاظم (ع) مرا طلبیدند و در خدمت آن حضرت طعامی خوردم ، و حلوائی بسیار آورده بودند . گفتم چه بسیار است حلوا ! فرمودند که ما شیعیان از شربنیسی خلق شده ایم ، پس حلوا را دوست میداریم .

(حلیة المنقیین ، باب سوم ، فصل
 بیجم -- باب دهم ، فصل هفتم)

در فضائل تقیه

— ابن ابی عمیر از هشام بن سالم ، و او از ابی عمر الاعمی نقل کند که حضرت امام ابو عبد الله صادق علیه السلام بمن فرمود : ای ابا عمر ، بدان که نه دهم دین در تقیه است ، و هر که تقیه نکند دین ندارد ، و تقیه در هر چیز جائز است جز در نوشیدن خمر و مسح کشیدن بر روی کفش در موقع وضو .

— و ابن ابی یعفور گوید : حضرت امام صادق علیه السلام فرمود : بخاطر حفظ دینتان تقیه کنید ، زیرا هر که تقیه ندارد ایمان ندارد ، همانا شهادت میان مردم مانند زنبور عسل در میان پرندگان است ، اگر پرندگان بدانند در درون زنبور عسل چیست همه آنها

را بخورند ، و اگر مردم بدانند آنچه را در دل شماست
که ما اهل بیت را دوست دارید شما را با زبان بخورند
و در بهان و آشکارا سزا گویند .

(اصول کافی ، کتاب الاسما)

(والكفر ، باب المقسمه)

— و ابو عمرو کسای گوید : امام صادق علیه السلام
فرمود : ای ابا عمرو ! اگر برایت حدیثی گفتم یا
فتوایی دادم ، سپس نزد من آمدی و همان مطلب را سؤال
کردی و من حدیثی برخلاف گفته اولم گفتم یا فتوایی سر
خلاف فتوای قبل دادم ، به کدامیک از آن دو عمل میکنی؟
عرض کردم : به آنکه تازه تراست ، و آنچه را که قبلا
گفته ای رها میکنم . فرمود : درست گفתי ای ابا عمرو ،
خدا ترا رحمت کند .

— و درست واسطی گوید : حضرت امام صادق علیه
السلام فرمود : تقیه هیچکس بدرجه تقیه اصحاب کهف
نرسید ، زیرا آنها در اعیاد بت پرستان شرکت میکنند
و بر خود زنا را میبستند . از این رو خدای عزوجل آنها را
دوبار پاداش داد .

— و معمر بن خلاد گوید : از حضرت امام ابوالحسن
علیه السلام پرسیدم : آیا در برابر والیان باید از جای
برخواست یا نه؟ فرمود : امام باقر علیه السلام فرموده
است : تقیه دین من و دین پدرانم است ، و کسیکه تقیه
ندارد ایمان ندارد .

— و محمد بن مسلم وزراره گفته اند که شنیدیم
حضرت امام باقر علیه السلام میفرمود : در هر موردی که
آدمیزاده به تقیه ناچار شود خداوند آنرا برایش حلال
ساخته است (!)

— و عبدالله بن ابی یغفور گوید شنیدم که

حضرت امام صادق علیه السلام فرمودند : تقیه سیر مؤمن است . تقیه نگهدارمؤمن است ، هرکس تقیه نکند ایمان ندارد . همانا حدیثی از احادیث مابیه بندهای مرسد و او آراسین خود و خدا نگهداری میکند و به عزت دسا و نور آخرت مرسد ، و سده دیگر حدیثی از احادیث ما راکه به او رسیده فاش میسازد ، و این موجب خواری او در دسا میگردد و خدای عزوجل هم بسور را اراو میگرد .

— و عبدالاعلی گوید شنیدم امام صادق علیه السلام میفرمود : خدا رحمت کند مؤمنی راکه آنجه را که مردم میفهمند به آنها بگوید و آنچه راکه نمیپذیرند از آنها ببوشاند ، زیرا نقل مطلب مابه دیگران ، مردم را برمن و برشما میثوراند !

— و محمدبن ابی نصر گوید : از حضرت امام رضا علیه السلام مسئلهای را پرسیدم ، حضرت از جواب آن خودداری کرد ، و فرمود : اگرهرچه را میپرسید بشما بگوئیم موجب شر میشود و از بابت آن گردن حضرت صاحب الامر را میگیرند . مگر نشنیدهای که امام باقر علیه السلام فرموده است : امر ولایت ما اولاد علی را خداوند بصورت رازی بدست جبرئیل سپرد ، و جبرئیل نیز آن را بصورت راز به محمد صلی الله علیه وآله سپرد ، و محمد صلی الله علیه وآله نیز آن را بصورت راز به علی علیه السلام سپرد ، و علی علیه السلام آن را بصورت راز بهرکه خواست سپرد . و حالا شما این راز را فاش میسازید ؟ آخر کسی نمیتواند سخنی راکه شنیده پیش خود نگاه دارد ؟

— و عثمان بن عیسی گوید : حضرت ابی الحسن صلوات الله علیه فرمود : اگر دریک دستت چیزی باشد

و سوائی آنرا از دست دیگران بستانند ، حرام
نکند !

اصول کافی ، کتاب الاصل
و التفسیر ، باب الاصل

— در حدیث صحیح از حضرت عادی (ع) منقول
است که بنیدسیرانمان است ، و ایمان ندارد کی گدازند
ممکن ، و تأکید فرمود که به عمره درین درخت است
و یک عمر آن در همه اعمال دیگر .

— و از حضرت امیرالمؤمنین (ع) منقول است
هر که از روی قصد دروغ بخورد برای دفع ضرر ، برای
' و گناه و گناه نیست .

— و حضرت امام موسی (ع) فرمود : گرامی تر
ما بود خدا کسی است که نقیه بپوشد .

— و حضرت عادی (ع) فرمود که : دس خود را
بستانند دارند به نقیه کردن از مخالفان برادر سنی که
نجا در میان جماعت سنی ما سنی مگر عمل هستند در میان
برندگان ، و اگر مرغان بدانند که عمل در شکم آنها هست
هر آن که یکی را زنده بگذارند .

— و حضرت امام رضا (ع) فرمود کسی که نقیه
را برگ کند همان است که سوار را برگ کرده باشد .

در حقه العیسی ، باب
دعوت ، فصل در دعوت

— در خراسان از حضرت امام جعفر صادق ، که فرمود
حجاج بن یوسف ، از خلیفه عبدالملک مروان احازه حواس
که امام سجاد (زین العابدین) را بقتل رسانید .
عبدالملک حجاج را از این کار نهی کرد ، امام سجاد

کداین بد است با مه ای به خلیفه نوشت کسه : " ای
 عبدالملک بن مروان ، امرالمومنین ! از من علی بن
 الحسین بنو سلام ... رسول خدا مرا فرمان تو آگاه کرد
 و خدای تعالی ازین بابت از تو شکرگزاری نمود و سلطنت
 بر اینست کرد . " عبدالملک که اس حیوانند ، با رفتاری
 را که غلام امام بر آن سوار بود و نامه را آورده بود بر
 از دینار کرد و آنرا به امام باز فرستاد .

(بحار الانوار ، جلد ۱۰۰ ، در حالات

امام رس العابدس علیه السلام)

در فضائل شک

— آبی که با سداره کر بوده ، اگر انسان شک
 کند که از کر کمتر شده بایه مثل آب کر است یعنی
 حاست را پاک میکند

— اگر شک کند که مخرج بول یا غایط را تطهیر
 کرده باشد بظنر نماید ، ولی اگر بعد از نماز شک
 کند که قبل از نماز مخرج را تطهیر کرده باشد ، بمانی
 که خوانده صحیح است .

— اگر انسان بعد از بول استبراء کند و بعد
 آبی از او خارج شود و شک کند که بول است با آب دیگری
 است ، پاک میباشد .

— اگر انسان شک کند که استبرائی که کرده درست
 بوده یا نه ، و رطوبتی از او بیرون آید که شک کند که
 پاک است یا نه ، پاک میباشد و وضو را هم باطل نمیکند .
 و کسی که استبراء کرده اگر بواسطه آنکه مدنی از

بول کردن او گذشته یقین کند بول در محری نمانده است و رطوبتی ببیند و شک کند پاک است یا نه ، آن رطوبت پاک میباشد و وضو را هم باطل نمیکند .

— برای زن استبراء از بول نیست ، و اگر رطوبتی ببیند و شک کند پاک است یا نه ، پاک میباشد و وضو و غسل او را هم باطل نمیکند .

— اگر انسان شک کند که خون زیر نوب مرده یا گوشت بواسطه کوبیده شدن بآن حالت درآمده است ، پاک است .

— اگر انسان چیزی را شک کند پاک است یا نه مثلا شک کند که خون بیشه است یا انسان آن چیزی را شک کند ، و چیز پاک را اگر شک کند نجس شده یا نه پاک است ، و اگر هم بتواند نجس بودن یا پاک بودن آنرا بفهمد لازم نیست واریسی کند .

— اگر فراموش کند آب غصی است و با آن وضو بگیرد صحیح است ، اگرچه خودش آب را غصب کرده باشد (!)
— چنانچه در ظرف غصی وضو بگیرد یا با آن آب بچورت و دستها بریزد وضوی او با احتیاط واجب باطل است ، ولی اگر با مشت یا جبر دیگر آب از آن بردارد و به صورت و دستها بریزد وضوی او صحیح است .

— اگر یکی از اعضاء وضو نجس باشد و بعد از وضو شک کند که پیش از وضو آنجا را آب کسده باشد وضو باطل است ، ولی اگر میدانند ملتفت بوده ، پاک دارد که ملتفت بوده باشد وضو صحیح است .

— اگر انسان جماع کند و شک کند که باسدازه ختنه گاه داخل شده یا نه ، غسل ترا واجب نیست .

— کسی که حبس شده اگر شک کند غسل کرده یا نه نمازهایی که خوانده صحیح است .

— هرگاه زن حامله شک کند که چیزی سقط شده یا نه ، یا چیزی سقط شده اگر میماند انسان مست یا نه ، لازم نیست واریسی کند .

— اگر شک کند که محل تنم عصبی است یا نه فراموش کرده باشد تنم او صحیح است ، اگر چه ترا مری کشیده خودی غاصب باشد (!)

— اگر فراموش کند که لباس او عصبی است اگر چه خودی آن لباس را غصب کرده باشد ، بکاری که با آن بخواند صحیح است .

— کسی که در ملک عصبی نماز بخواند نماز باطل است ، ولی نماز خواندن در زیر سقف عصبی و حرمه عصبی مانعی ندارد .

— اگر در حائضه عصبی بودن آرا فراموش کرده نماز بخواند و بعد از نماز یادش بیاید نماز او صحیح است ، اگر چه خودش غصب کرده باشد (!)

— نماز خواندن در حائضه تار و ما بین آن استعمال میکنند باطل نیست ، ولی گوش دادن بآنها حرام است .
— اگر بداند که در وسط نماز با احتیاط فراموش خواننده ولی شک کند که بعد از نماز بوده ، نماز او صحیح است .

— اگر انسان شک کند که کنزالکسبه باشد ، باید به شک خود اعتنا ننماید .

— اگر در روز ماه رمضان جماع کند و شک کند که با اندازه خننه گاه داخل شده یا نه ، روزه او صحیح است ، و کسی هم که آلتش را بریده اند اگر شک کند که دخول شده یا نه (!) روزه او صحیح است .

(آية الله حسینی ، توضیح المسائل)

مسائل ۲۳، ۷۵، ۷۳، ۷۱، ۷۰، ۷۵، ۷۷، ۷۷، ۱۰۲، ۱۲۲، ۱۲۳

۱۲۳، ۲۷۲، ۲۷۳، ۲۷۸، ۳۵۰، ۳۸۸، ۵۱۲، ۶۹۶، ۸۱۷

(۱۵۸۶، ۱۱۸۹، ۱۱۲۸، ۸۹۰، ۸۶۹، ۸۶۶، ۸۱۷)

در فضائل گریه و شیون

— عتی بن ابراهیم از پدرش ، و او از ابراهیمی
عمر ، و او از منصور ، و او از حریر ، روایت کند که
حضرت امام جعفر صادق علیه السلام فرمود : خسته دل را
بمیراند . و سر فرمود : بسیار حدیدن دل را آب کند ،
چنانکه آب نمک را .

— و عنبسه عابد گوید : شنیدم حضرت امام جعفر
صادق علیه السلام را که میفرمود : خنده بسیار آبرو را
میرد .

— و خالد بن طهمان گوید : حضرت امام محمد باقر
علیه السلام فرمود : هرگاه قهقهه زدی ، پس از فراغت
از آن بگو " اللهم لا تمقتنی " (خدایا ، از من متفر
شو) .

— و داود بن فرقد و علی بن عقبه و شعله از حضرت
امام محمد باقر و حضرت امام جعفر صادق یا یکی از آن
دو علیهما السلام نقل کرده اند که : خنده بسیار ایمان
را به یکسو پرتاب کند .

(اصول کافی ، کتاب العشره ، باب
الدعاء والصحة)

— رسول خدا صلی الله علیه وآله به ابی اذر
غفاری فرمود : یا اباذر ، کسیکه سخنی میگوید که
جمعی را بخنداند ، بخاطر این گناه فرو میروند در
طبقات جهنم بقدر میان آسمان و زمین ، و وای بر کسیکه

دروغی به نوحی گوید که مردم را بخنداند : وای بر او
وای سراو ! وای سراو !

— یکی از اصحاب ار سهل بن زیاد ، و او ار علی بن
اساط ، و او ار حسی بن کلب روایت کند که حضرت صادق
علیه السلام فرمود که خندیدن مؤمن میباشد فقط تسم
باشد و صدا ندانند ، و فرمود که خندیدن دل را
میبراند و دین را میگذارد چنانکه آب نمک را میگذارد ،
و فرمود که از نادانی است خندیدن بی آنکه تعجبی
ساعت آن شود ، و نیز فرمود که قهقهه کردن از شيطان
است ، و بسیار خندیدن آبرو را میبرد و مهابت مردان را
برطرف میکند .

(از همان کتاب)

— حضرت رسول اکرم (ص) فرمود : عجب دارم از کسی
که ایمان به جهنم دارد چرا میخندد ؟

— از حضرت امام موسی کاظم (ع) منقول است
که فرمود : مزاح مکن که مزاح نور ایمانت را میبرد و
مردیت را سگ میکند ، و در حدیث دیگر از آن حضرت
منقول است که حضرت داود علیه السلام به حضرت سلیمان
مگفت که ای فرزند ، زبنتار که خنده بسیار مکن گسه
بسیار خندیدن آدمی را فنیبر میکند .

— و حضرت صادق (ع) فرمود : کسی که بسیار
خندد در روز قیامت گریه اش بسیار باشد ، و کسی گسه
بسیار گریه در بهشت خوشحالی و خنده اش زیاد باشد .

(حلیة المتقین ، باب یازدهم ، فصل هفتم)

— علی بن ابراهیم از پدرش ، و او از ابن ابیسی
عمیر ، و او از منصور بن یونس ، و او از محمد بن مروان
روایت کند که حضرت امام صادق علیه السلام فرمود : هر

جبری بیمانه و وزنی دارد ، جز گریه کند یک فطره اش
 دریا های آتش را خاموش سازد ، و جنمی که به اشک بر سر
 خود برشانی و خواری نسیند ، و کسی که اشک برورد خدا
 آتش دوزخ را سراو حرام کند ، و اگر هر آنکه در میان یک
 اصابت با یک بشر گریان باشد همدست آنها مورد رحمت
 فرار گیرند .

(اصول کفای ، کتاب الدعاء ، باب الکاء)

— احمد بن محمد از عثمان بن عسی ، و او از
 اسحاق بن عمار روایت کند که به حضرت امام صادق علیه
 السلام عرض کردم : من بعد از دعا میل دارم گریه بکنم ،
 ولی گریه ام نمآید ، آنوقت بیاید برخی از امسوات
 خانواده خودم می افتم و گریه میکنم . آیا این درست
 است ؟ فرمود : آری ، آنها را بیاید بیاور و چون رقت
 کردی گریه کن ، سپس پروردگار تبارک و تعالی را
 بخوان .

وسعید بن یسار بیاع السابری روایت کند که به
 حضرت امام صادق علیه السلام عرض کردم آیا من در حال
 دعا خود را بگریه وادار کنم اگرچه گریه نداشته باشم ؟
 فرمود : آری ، اگرچه به اندازه سرمگی باشد .

و عنسمة العابد از همان حضرت علیه السلام نقل
 کند که فرمود : اگر گریه نداری خودت را به حالست
 آنهایی درآور که گریه میکنند . و نیز آن حضرت علیه
 السلام در جای دیگر فرمود : اگر گریهات نیاید خود را
 به گریه وادار کن ، پس اگر از دیده ات به اندازه سر
 مگی اشک بیرون آمد ، پس بخ بخ !

و علی بن محمد از سبیل بن زیاد ، و او از محمد
 بن احمد ، و او از حسن بن علی ، و او از یونس ، و او از
 مصنف الثحان نقل کرده است که سیدم امام جعفر
 صادق علیه السلام فرمود : خون حسن علیه السلام گسند
 شد ، همسر کلمبه آن حصب (مادر گسند) برایش
 محلی سوختاری ساخت کرد و خود گریست و بر آن و حدیثگزاران
 او هم گریستند با اشک جسمان حصب و تمام گسند ،
 در آن موقع همسر سزه امام یکی از گسراش را دید
 که میگرید و اشک از حصب جاری است . او را طلبید و گفت :
 چرا در میان ما ننشیا اشک حصب تو جاری است ؟ او گفت :
 من درین مورد غریب مخصوصی مینوشم که با من سوختنی
 است . او هم دستور داد غذا و سوختنی تهیه کند ، و خودش
 از آن خورد و نوشتید و بدیگران هم حوراسند و بنامند ،
 و گفت مقصودم از این عمل اینست که برای گریستن بر حسین
 علیه السلام اشک پیدا کنیم .

(اصول کافی ، کتاب الدعاء ، باب السکاء)

حضرت امام جعفر صادق علیه السلام فرمود که اگر
 گریه کنی برای ترحم بر حسین (ع) تا اشک نوحاری شود
 خدا جمیع گناهان ترا سا مریزد از صغیره و کبیره ، کم
 یا بسیار ، و البته رحمت خود را شامل حال تو گرداند .
 و خون اشک بر دیده تو جاری گردد اگر قطره ای از آن در
 چشم ریزد حرارت آنرا فرو نشاند ، و به روایتی قطرات
 آن اشک را ضبط کنند و در سلک اعمال تو کشند . و حضرت
 امام حسین (ع) خود در روز جزا نظر میکند بسوی
 گریه کنندگان خود و طلب آمرزش میکند برای ایشان و از
 خدا مسئلت میکند که هر گناهی که کرده باشند بیا مریزد .
 (مجمع المعارف و محزن العوارف ،

عیس دوم ، در شدا شد

مرگ و احوال قبر

— حضرت امام جعفر صادق (ع) به زراره فرمود که هیچ دیده برد جدا محصور از دیده‌ای که در حس (ع) نگرید بسبب، و هر که بر او گریه کند به حضرت فاطمه (ع) خوی کرده و حق ما اهل بیت را ادا کرده است. و در روز قیامت هیچ بنده محصور نمیشود مگر بنده‌ای که گریسته باشد بر خدمت حس (ع) و گریه کنندگان حس در موقعی که دیگران را به مقام حساب می‌برند ایشان در زیر عرش الهی نشسته از حساب معترسند، و ملائکه برد ایشان آمده آنها را دعوت به بهشت مینمایند، و ایشان ایا میکنند که ماصحبت آن حضرت را به بهشت نمیدهیم. و چون جواب ایشان نزد خوران و غلمان و خازنان بهشت میرسد باز ملائکه بیعام از جانب آن خازنان برای ایشان می‌آورند و اسبها و شترها و محمل‌ها از بهشت می‌آورند و ایشان سوار شده داخل منازل خود می‌گردند.

(مجمع المعارف ، عین هفتم ،
در اعمال حسیه)

درکرامات ادعیه

— در حدیث معتبر از حضرت امام محمد باقر (ع) روایت شده است که شخصی به آن حضرت شکایت کرد از درد مقعد، فرمود چون از نماز فارغ شوی دست بر مقعد گذار و این آیات را بخوان (متن آیات). راوی گفت چنین کردم و دردم بزودی برطرف شد.

— از حضرت امام موسی کاظم (ع) منقول است

که شخصی به آن حضرت شکایت کرد از قراقر و صداهای شکم . فرمود چون از نماز فارغ شوی این دعا را بخوان (متن دعا) . و راوی گوید که دیگر شکم قراقر نکرد .
 — در حدیث معتبر از حضرت امام علی نقی (ع) منقول است که شخصی بخدمت اینان نوشت که شخصی از شیعیان شما بولش بعد آمده است . در جواب دعا شستی نوشتند که براو بسیار بخوانند تا بولش جاری شود .
 — در کتاب نوادر الحکمه روایت شده است که شخصی بنزد حضرت امام جعفر صادق (ع) آمد و گفت : یا بن رسول الله هشت دختر بهم رسانیده ام و روی پسر تا حال ندیده ام . حضرت فرمود در میان یای زنت بنشین و دست راست خود را بر جانب راست ناف او بگذار و سوره انا انزلناه را هفت نوبت بخوان و بعد از آن جماع کن ، و چون اثر حمل ظاهر شود پس در شها دست راست بر جانب راست ناف زن بگذار و هفت مرتبه سوره انا انزلناه بخوان . آن مرد گفت چنین کردم و هفت پسر بی هم خدا به من روزی کرد .

(حلیة المتقین ، باب چهارم ، فصل

هفتم — باب ششم ، فصل دهم)

— اصغ بن نباته از حضرت امیر المؤمنین علیه السلام حدیث دارد که مردی بدو عرض کرد : یا امیر المؤمنین ، حیوانی که زیر پای من است جموشی میکند . فرمود : در گوش راستش این آیه را بخوان (متن آیه) و چون آن مرد آیه را بخواند حیوان رام گردید . و مرد دیگری برخاست و عرض کرد : ای امیر مؤمنان ، سرزمین ما جای درندگان است و درندگان به خانه من در آیند و تا شکار خود را نگیرند بیرون نروند . فرمود : این دو آیه را بخوان (متن دو آیه) پس آن مرد این دو

آیه را خواند و درندگان از او دور شدند . سپس مرد دیگری برخاست و عرض کرد : ای امیر مؤمنان ، درشکم من آب زردی جمع شده است . فرمود : بنویس آیه الکرسی را برشکمت و آنرا بشوی و بسا شام و درشکمت ذخیره کن . آنمرد انجام داد و بخواست خداوند بهبود یافت . سپس مرد دیگری برخاست و عرض کرد : یا امیرالمؤمنین ، حیوانم گم شده است . فرمود : سوره یس را در دورکعت نماز بخوان . آنرا انجام داد و خدای عزوجل حیوان گم شده اش را با او برگردانید . سپس دیگری برخاست و عرض کرد : ای امیر مؤمنان ، بنده ام گریخته است . فرمود بخوان این آیه را (متن آیه) و آنمرد آنرا گفت و بنده فراریش به سوی او بازگشت . سپس مرد دیگری برخاست و عرض کرد : یا امیرالمؤمنین ، برای ایمنی از دزدی چیزی بفرما ، زیرا که پیوسته پشت سرهم شها از من دزدی شود . فرمود : چون به بستر خواب روی این آیه را بخوان (متن آیه) . سپس فرمود : هرکس در بیابانی خالی از سکنه شی را بربرد و این آیه را بخواند (متن آیه) فرشتگان از او محافظت کنند و شیاطین از او دور شوند . پس آن مرد رفت و به ویرانه ای رسید و شب را در آنجا خوابید و این آیات را خواند . پس شیطان به سراغش آمد و بینی او را گرفت . رفیقش به شیطان گفت : مهلتش بده . پس آن مرد از خواب پرید و آیه را خواند . پس شیطان به رفیقش گفت : خدا بینی ترا به خاک مالد . . . چون صبح شد آن مرد نزد امیر المؤمنین علیه السلام آمد و ماجرا را گفت . و پس از مالا آمدن آفتاب به آنجا رفت و جای موی شیطان را در زمین دید .

(اصول کافی . کتاب فضل القرآن ،

باب فضل القرآن)

— علی بن اسراہیم از پدرش ، و او از ابن ابی عمیر ، و او از عماد بن عنمان ، و او از سفیان بن عماره ، روایت کند که : شنیدم از حضرت امام صادق علیه السلام که فرمود : حیرئیل علیه السلام آنگاه که یوسف علیه السلام در زندان بود نزد وی آمد و به او گفت : ای یوسف ، در عفت هر نمازی بخوان این دعا را : "اللهم اجعل لی فرحا ومخرجا ، وارزقنی من حیث احسب وممن حیث لا احسب" . وگفته شده که خداوند به حرء اول این دعا ورا از زندان آزاد کرد ، و به حرء دومش او را به سلطنت رسانید .

و حسن بن عمار الدهان گوید : از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام شنیدم که فرمود : چون برادران یوسف او را در جاه افکندند حیرئیل علیه السلام نزدش آمد و گفت : ای پسرک در اینجا چه میکنی ؟ گفت : همانا برادران من مرا در این جاه افکندند ، حیرئیل علیه السلام گفت : میخواهی که از این جاه بیرون آئی ؟ یوسف گفت : اگر خدای عزوجل خواهد مرا بیرون آورد ، پس حیرئیل علیه السلام با او گفت : همانا خدای تعالی بتو فرماید : مرا با این دعا بخوان تا از جاه بیرون آئی آورم . (متن دعا) . پس یوسف آن دعا بخواند و داستانش همان شد که خداوند در کتابش یاد فرموده است .

(اصول کافی ، کتاب فصل القرائن ، باب الدعاء فی ادبار الطلوات)

— فضیل بن عبدالوهاب از اسحاق بن عبداللہ ، و او از عبیداللہ بن الولید الوصافی روایت کرده است که رسول خدا (ص) فرمود : هر که یکبار " لا اله الا الله " بگوید برایش درختی در بهشت کاشته شود که از یاقوت سرخ باشد ، و ریشه آن از مشک سفید ، و از عسل شیرین تر و از برف سفید تر و از مشک خوشوتر ، و در آن

میوه هاست مانند یسنای دوسرگان که در برهه‌ها
بسیارهن برآمده باشد .

(اصول کافی ، کتاب الدعاء ، باب
من قال لا اله الا الله)

— محمد بن یحییٰ از احمد بن محمد ، و او از علی
بن اسراهم ، و او از بدرش ، و او از عبدالرحمن بن ابی
بحران ، و او از عبدالعزیز العبدی ، و او از عمر بن
بزید ، نقل کرده است که حضرت امام جعفر صادق علیه
السلام فرمود : هرکس که روزی ده بار بگوید : " اشهد
ان لا اله الا الله وحده لا شریک له ... " خداوند برای
او چهل و پنج هزار حسنه بنویسد ، و چهل و پنج هزار
گناه از او محو کند ، و چهل و پنج هزار درجه درجات
او را ببرد .

— و نیز ابی عبیده الخداء گوید که : حضرت
امام باقر علیه السلام فرمود هرکس بگوید : " اشهد
ان لا اله الا الله وحده لا شریک له ، و اشهد ان محمداً
عبده و رسوله " ، خداوند برای او هزار هزار (یک
میلیون) حسنه بنویسد .

— و ابی عمران الخراط و او زاعی گویند که :
حضرت صادق علیه السلام فرمود : هرکس در هر روز بگوید :
" لا اله الا الله حقاً ، لا اله الا الله عبودیتاً
ورفاً ... " خداوند از او رو برنگرداند تا به بهشت
رود .

(از همان کتاب)

— داود بن زربی گوید که حضرت صادق علیه السلام
فرمود : هرکس که جایی از بدنش دردی دارد دست خود
را بر جای درد بگذارد و سه بار این دعا را بگوید (متن

دعا () ، دردی سرود .

— و معجل گوید : امام جعفر صادق علیه السلام فرمود : خون دردن دایسته سالی رسی خود را بدست بگیر و سرار شمار واحد سه بار این دعا را بخوان ای مدعی دعا ؛ ولی بگو که خواندنی با اسک و مگردنوا م با عد .^{۱۱}

— و عمالی گوید : حضرت امام باقر علیه السلام فرمود : هرگاه مریض ندی بگو (متنی دعا) و سـ یا یایی (!)

(اصول کافی ، کتاب الدعاء ، باب الدعاء ،
للکرب والهمه والحرز والحرز والحرز)

— اسحاق بن عمار گوید : به حضرت امام جعفر صادق علیه السلام عرض کردم : قربانت کردم ، من ار عقربها مبرسم . فرمود : به سه تا ار سنارگمان بنات النعش نگاه کن ، وستاره وسطی آنها درکنار ش ستاره کوچکی است که عرب آنرا " سها " نامند . هر شب بدان خبره نگاه کن و سه بار بگو : " اللیم رب اسلم ... " . ومن در تمام عمر خود این دعا را ترک نکردم جز یک مرتبه ، و آن بار هم عقرب مرا گزید .

(اصول کافی ، کتاب الدعاء ،

باب الحرز والنعشوبسند)

— و علی بن ابی حمزه از حضرت امام موسی بن جعفر علیه السلام حدیث کرد که فرمود : در برخی از جنگها ، اصحاب به حضرت رسول خدا صلی الله علیه وآله شکایت کردند که کیکها ایشان را آزار میدهند ، حضرت دعائی بدانها آموختند که چون به بستر خواب روند بخوانند ، و دیگر کیک آنها را آزار نداد .

— عبدالله بن یحیی کاهلی گوید : حضرت امام

صادق علیه السلام فرمود : هرگاه به درنده ای برخورد

کردی ، رو در روی او ایستاد و آنگاه کرسی را بر سر
 حیوان و بعد بگو ای منی دعا ای که ایاه الله آن دریده
 روی از سو برگرداند . پس من رمایی از خیر بیرون
 زبم و آنگاه درندهای سر راه مرا گرفت . پس من
 همچنان کردم که حضرت علیه السلام فرموده بود . و گفتم :
 از راه ما باز کرد و ما را مبارز . پس دیدم که سر
 را بد زب انداخت و دم را میان دو پای من آورد و
 برگشت .

۱ - صول کافی ، کتاب الدعوات ،

باب الحبرر والعسوده .

— ابو جعفر شامی گوید : مردی در شام که نامش
 هلقام بن ابی هلقام بود ، برای من حدیث کرد که
 خدمت حضرت امام موسی بن جعفر علیهما السلام رفتم .
 عرض کردم : فدای بنوم ، دعای جامعی برای دنیا و
 آخرت من به من بیا مور که کوتاه هم باشد . فرمود :
 پس از نماز صبح تا هنگام طلوع آفتاب بگو : " سبحان
 الله العظیم و بحمده استغفرالله و اسئله من فضله " .
 هلقام گوید : روزگار من از همه خانواده ام بدتر بود ،
 بعد از خواندن این دعا از مردی نداسته ارشی به من
 رسید که گمان نداشتم میان من و او خویشاوندی باشد ،
 و اکنون وضع زندگانی من از تمام افراد خانواده ام بهتر
 است . این نیست جز بواسطه آن دعائی که آقایم حضرت
 موسی بن جعفر علیهما السلام بمن آموخت . (همان کتاب)

— و صالح بن سعید از ابراهیم بن محمد هارون
 حدیث کند که به حضرت امام ابی جعفر صادق علیه السلام
 نوشت و دعائی برای بادهای کودکان خود خواست . حضرت

به خط مبارکش دو دعا نوشت و برایش فرستاد . (۱)

(از همان کتاب)

— عبدالله بن سنان روایت کرده است که سه خدمت حضرت صادق علیه السلام رفتم . حضرت فرمود ترا دعائی تعلیم کنم که چون بخوانی حقتعالی کلمه قروض ترا ادا کند ؟ گفتم چه بسیار محتاجم به چنین دعا . پس حضرت فرمود که بعد از نماز صبح بگو (متن دعا) . و چون کردم بدرستی که از بار همه قروض آسوده شدم . — و کفعمی رحمة الله علیه روایت کرده است که مردی بحضرت رسول صلی الله علیه وآله شکایت کرد از تنگدستی و پیریشانی و بیماری . حضرت فرمود که هر صبح و شام ده مرتبه این دعا را بخوان (متن دعا) و بدرستی که سه روز براین بیش نگذشته بود که حال او به توانگری و رفاهیت برگشت .

(اصول کافی ، کتاب الدعاء ، باب الدعاء اللدین)

— شیخ طبرسی و کفعمی و دیگران از حضرت رسول صلی الله علیه وآله روایت کرده اند که به اصحاب خود گفت : آیا عاجزید از آنکه هر صبح و شام نزد خداوند عالمیان عهدی بگیریید ؟ گفتند چگونه ؟ فرمود که این دعا را بخوانید (متن دعا) ، و هر که این دعا بخواند مهری بر او میزنند و در زیر عرش الهی میگذارند . و چون روز قیامت شود منادی ندا میکند که کجا شید آنان که نزد خداوند رحمن مهری دارید ؟ پس آن مهر به ایشان

۱- علامه مجلسی (رحمة الله علیه) در توضیح این حدیث مینویسد مادی که کودکان بدان دچار شوند همان است که در فارسی به آن "بادجن" گویند و همان "ام الصبیان" است . و شاهی از کتاب "النهایه" نقل میکند که در امثال این حدیث ، همه جا بادکنایه از "جن" است .

دهد و با آن داخل بهشت شوند .

(اصول کافی ، کتاب الدعاء ،

باب فصل الدعاء والحمد لله)

— حار گوید : حضرت امام باقر علیه السلام فرمود که همانا ایلیس - که لعنت خدا بر او باد ! - لشکرهای شبانه خود را از آنجائی که خورشید غروب کند و از آنجائی که خورشید برآید برآکنده کند . پس در این دو ساعت بسیار ذکر خدا گوئید ، و از تراشیدن و لشکرپاشی به خدا پناه برید ، و هر دو سالان خود را در این دو ساعت به خدا بسپارید ، زیرا که این دو ساعت ساعتی غفلت است .

— و ابی بصیر گوید : حضرت صادق علیه السلام فرمود : هرکس پس از نماز صبح و نماز مغرب هفت بار بگوید : " بسم الله الرحمن الرحيم ، لا حول ولا قوة الا بالله العلی العظیم " ، خداوند عرواحل از او هفتاد نوع از انواع بلا را دور کند که آسانترین آنها بادهای بدو و سببی و دیوانگی است ، و اگر ثقی باشد ارشعاون بیرون آید و در زمره سعیدان درآید .

(اصول کافی ، کتاب الدعاء ، باب الفول

عبدالاصحح والحمد لله)

— و ابی اسامه گوید : شنیدم از حضرت صادق علیه السلام که میفرمود : هرکس هفتامی که به ... در جواب سرود صدیقار قل هو الله احد بخواند ، خداوند نگاهان گذشته او را تا پنجاه سال (!) بسامرد .

— و حمیل گوید : شنیدم از حضرت امام صادق علیه السلام که میفرمود : هرکه هفتاد بار بگوید " ماشاء الله ولا حول ولا قوة الا بالله " هفتاد نوع از

انواع بلا را او دورگردد که آسانترین آنها حسیاق است ، و به دیوانگی نیز دچار نبود .

— و حسین بن حماد گوید : حضرت امام باقر علیه السلام فرمود : هرکس که بدسال نماز واحد ، بشتر از آنکه باهای خود را بنا کرده باشد سه بار بگوید : " استغفرالله الذی لا اله الا هو الحی القیوم ... " جدای عروحل همه گناهانش را بیا مرزد ، اگر چه از زیادی مانند کف دریا باشد .

(اصول کافی ، کتاب الدعاء ،

باب من قال ما شاء الله)

— اسما عیال بن عبدالحایق گوید : مردی از اصحاب حضرت رسول اکرم صلی الله علیه وآله چندی به خدمت آن حضرت صلی الله علیه وآله نیامد . وقتی که به خدمت رسید ، رسول خدا صلی الله علیه وآله به او فرمود : چه چیز ترا از ما دور کرده بود ؟ عرض کرد : بیماری ونداری . به او فرمود : آیا بنویسم خورم دعائی را که خداوند از بنویسماری ونداری را دورسارد ؟ عرض کرد چرا با رسول الله . فرمود : بگو " لا حول ولا قوة الا بالله ، بزرگت علی الحی الذی لا یموت ... " . پس طولی نگذشت که بپای خدمت بمعمیر صلی الله علیه وآله بازگشت و عرض کرد : ای رسول خدا ، خداوند بیماری ونداری را از من برد .

— و ابو بصیر گوید : به حضرت صادق علیه السلام از بیمارمندی و ننگدستی نگاست مردم . دعائی برای طلب روزی بمن آموخت ، را از آن زمان که آن دعا را کردم دیگر نیازمند نستم .

— و علی بن مهزیار گوید : محمد بن حمزه غمیوی از من خواست که به حضرت جواد علیه السلام بنویسم که

دعائی برای خلاصی از زندان به اوسا موزد . پس آن حضرت من دعا رابه من مرقوم فرمود و من آن را بر او رساندم . و مدت کمی بر او نگذشت که از زندان بیرون آمد .

— و ابراهیم بن ابی اسرائیل گوید : حضرت امام رضا علیه السلام فرمود : در گردن یکی از کبیرگان ما خمازری بیرون آمد . پس کسی نزد من آمد و گفت : ای علی (اسی موسی الرضا) یا وگو که بحواب الله " یا رثوف یا رحم یارب یا سدی " ، و آن را تکرار کند . پس این کلمات را گفت و خدای عزوجل آن خمازری را از او برطرف کرد . و امام علیه السلام فرمود : این دعا همان است که جعفر بن سلیمان با آن دعا کرد .

(اصول کافی ، کتاب الدعاء ، باب

الکرب والهم والحر والحواف)

— محمد بن یحیی از احمد بن محمد بن عسی ، و او از ابن محبوب ، و او از مالک بن عطیه ، و او از ضریس الکناسی ، روایت کند که حضرت امام باقر علیه السلام فرمود : رسول خدا صلی الله علیه وآله به مردی گذر کرد که در باغش درخت میکاشت . پس آن حضرت صلی الله علیه وآله نزدش استاد و فرمود : بحای آنکه ایسن درخت را بکاری ، نحواهی ترا راهمائی کم برکنست درختی که ریشه اش پا برجاستر و میوه هایش زودرس تر و بهتر و پیاینده تر باشد ؟ عرض کرد : چرا ، مرا راهنمائی فرما ای رسول خدا ! فرمود : چون بامداد کنی و شام کنی بگو : " سبحان الله والحمد لله ولا اله الا الله والله اکبر " ، که اگر این را بگوئی به شماره هربار که گفته باشی ده درخت در بهشت خواهی داشت دارای انواع میوه ها ، و این از امور شایسته و پیاینده است .

(اصول کافی ، کتاب الدعاء ، باب

التسیح والتهلل والتکبیر)